

واکاوی جایگاه شفافیت در حکمرانی شایسته، مبتنی بر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)

مرتضی علویان^۱، سعید ذکریا پور^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۹

چکیده:

شفافیت بعنوان یکی از مفاهیم نوپدید در قرن اخیر مورد توجه بسیاری از دانشمندان بعنوان یکی از شاخصه‌های حکمرانی خوب قرار گرفته است. در پژوهش‌های اسلامی نیز، تحقیقات زیادی پیرامون تطبیق شاخصه‌های حکمرانی خوب با اندیشه اسلامی صورت گرفته است. این پژوهش با موضوع "جایگاه شفافیت در حکمرانی شایسته در آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)"، به بررسی و تطبیق مولفه شفافیت در حکمرانی و اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، بر مبنای الگوی مطالعاتی حکمرانی شایسته در اندیشه علوی بر اساس کتاب نهج البلاغه می‌پردازد. این نوشتار در صدد پاسخ به این سوال است که شفافیت چه جایگاهی در اندیشه و حکمرانی امام خمینی دارد. برای این پژوهش، از روش تحلیل مضمون بعنوان یکی از پرکاربردترین روش‌های تحلیل داده استفاده شده است. پس از مطالعه و بررسی، شفافیت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای در دو بخش "محتوای شفافیت در اندیشه و حکمرانی آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)" و "ملزومات شفافیت زار در اندیشه و حکمرانی آیت‌الله خامنه‌ای" فصل‌بندی شد و نتایج حاصله از پژوهش نشانگر آن است که در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، شفافیت پیش از آنکه توسط مراکز و اندیشمندان غربی مطرح شده باشد، در کلام و سیره حضرت امیر(ع) مورد اشاره و تاکید قرار گرفته است و منطبق با اندیشه علوی، شفافیت در اندیشه و حکمرانی ایشان، مورد پذیرش و مورد تاکید است. نظر به تغییر ابزارهای حکمرانی و گسترش مفاهیم مشارکت مردمی و افکار عمومی و پاسخگویی و همچنین گسترش ابزارهای شفافیت ساز در عصر حاضر نسبت به عصر حضرت امیرالمومنین(ع)، میتوان به استخراج گزاره‌های بیشتری ذیل مفهوم شفافیت در اندیشه و حکمرانی آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) پرداخت که محققان دیگر میتوانند بدون بررسی تطبیقی به این منظور تحقق بخشند.

واژگان اصلی: شفافیت، حکمرانی خوب، حکمرانی شایسته، نهج البلاغه، آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

ارتباط یکی از مفاهیمی که در دهه های اخیر مورد توجه اندیشمندان و سازمان های جهانی قرار گرفته است، مسئله حکمرانی خوب است. برای این منظور، دانشمندان و سازمان های مختلفی، به بیان ویژگی ها و ملاک هایی برای یک حکمرانی خوب که تضمین کننده نتایج و دستاوردهای مثبتی برای اجتماع می باشد، پرداخته اند. یکی از شاخصه ها و ملاک هایی که بسیاری از اندیشمندان بعنوان یکی از ملاک های حکمرانی خوب بدان پرداخته اند، شفافیت است. شفافیت در حکمرانی خوب، از جایگاه ویژه ای در رسیدن به اهداف این نظریه و مدل حکمرانی برخوردار است. اسلام بعنوان دینی که مدعی طرح همه جانبه مسائل لازم برای پیشرفت و سعادت بشر است، در حوزه حکمرانی نیز، مدعی مدل حکمرانی مطلوبی است که به طور قراردادی این حکمرانی مطلوب اسلامی را حکمرانی شایسته مینامیم. در سالهای اخیر، تلاش های زیادی برای احصاء شاخصه های نظام سیاسی مطلوب اسلامی، توسط پژوهشگران و متفکران مسلمان صورت گرفته است. برخی از این تلاشها معطوف به تطبیق و مابۀ ازایابی از مفاهیم جدید غربی در باب شاخصه های نظام سیاسی مطلوب یا حکمرانی خوب است.

از جمله مفاهیمی که مورد توجه برخی از پژوهشگران مسلمان، در تطبیق با اندیشه اسلامی قرار گرفته است، مسئله شفافیت است. نظر به اهمیت مقوله شفافیت، خصوصا در سالهای اخیر و با گسترش ابزارهای شفافیت ساز، بحث های زیادی نیز در ایران پیرامون مبنایابی شفافیت در اندیشه اسلامی شکل گرفته است که تعیین کننده حدود و صغور بسط شفافیت در حکمرانی جمهوری اسلامی خواهد بود. این پژوهش بر مبنای همین دغدغه به دنبال واکاوی مسئله شفافیت در اندیشه مقام معظم رهبری، آیت الله خامنه ای، بر مبنای الگوی حکمرانی و اندیشه علوی است. مسئله و سوال نوشتار پیش رو این است که با توجه به اینکه شفافیت بعنوان شاخصه ای که در در عصر حاضر، مورد توجه صاحب نظران علوم اقتصادی و سیاسی و مدیریت به ویژه در مبحث حکمرانی خوب قرار گرفته است، آیا در اندیشه و حکمرانی آیت الله خامنه ای نیز مورد توجه قرار گرفته است و اساسا چه جایگاهی دارد. فرض پژوهش نیز تایید و پذیرش شفافیت در اندیشه آیت الله خامنه ای مطابق با اندیشه و حکمرانی علوی است. در این پژوهش، برای فهم جایگاه شفافیت در اندیشه و حکمرانی علوی بعنوان مبنای مطالعه شفافیت در حکمرانی شایسته، کتاب نهج البلاغه بعنوان یکی از مستندترین منابع اختصاصی از خطبه ها، نامه ها و سفارشات حضرت امیرالمومنین (ع)، مبنا قرار گرفته است و مجموعه بیانات، احکام، نامه ها و پیام های ایشان

که در سایت اطلاع رسانی دفتر ایشان به نشانی www.leader.ir و نشر آثار ایشان به نشانی www.khamenei.ir بعنوان مرجع سخنان ایشان برای مابه ازایی و تطبیق جایگاه شفافیت در اندیشه و حکمرانی آیت الله خامنه ای مورد مطالعه قرار گرفته است. برای این پژوهش از روش تحلیل مضمون بعنوان یکی از کاربردی ترین روش های تحلیل داده های متنی استفاده شده است و پس از پیدا کردن نکات مرتبط با شفافیت، مضمون بندی اولیه شکل گرفته و پس از اتمام، به زنجیره همبسته ای از مضامین مشترک تقسیم و فصل بندی خواهد شد.

۱- ادبیات پژوهش

در تحقیقات پیشین بررسی شده، تنها جاویدی و بهروزی لک (۱۳۹۵) در مقاله "شاخص های نظام سیاسی مطلوب از دیدگاه امام خمینی (ره) و آیت الله خامنه ای"، پاسخگو بودن مسئولان و اطلاع رسانی شفاف به افکار عمومی را یکی از شاخص های مدیریتی مسئولان و کارگزاران در نظام سیاسی مطلوب از دیدگاه امام خمینی و آیت الله خامنه ای میدانند.

۲- چارچوب نظری

۱-۲ حکمرانی خوب

قدمت حکمرانی به تاریخ تمدن بشری بر می گردد. حکمرانی در لغت به معنای حکومت و فرمانروایی و نیز عمل و شغل حکمرانی آمده است. (مفتح و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۴). اداره گری یا حکمرانی، به معنی عمل یا شیوه حکومت کردن و اعمال کنترل یا اقتدار بر اقدامات اتباع از طریق منظومه ای از مقررات است. بنابراین گوهر اداره گری را می توان چگونگی حکومت بر مردم و چگونگی اداره و تنظیم اداره دولت دانست (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۴۴۵). بانک جهانی حکمرانی را به عنوان روشی که بر اساس آن قدرت بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اعمال می شود تعریف می کند. حکمرانی در لغت به معنی "اعمال قدرت، نظام حکومتی، روش تنظیم قوانین و مقررات و برقراری نظم در جامعه است و عموماً نظارت ترتیبات اداری لازم جهت ارتباط با شهروندان، بر فعالیت های آنان و چگونگی تنظیم امور اجتماع را شامل می شود. از این رو علاوه بر ساختارهای فیزیکی، چارچوب های نهادی ناظر بر عملکرد حکومت و شهروندان را نیز در بر می گیرد (دقیقی اصلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶)

در مورد حکمرانی خوب، تعاریف مختلفی ارائه شده است. با دقت می‌توان دریافت که روح کلی حاکم بر همه آنها چندان تفاوتی نمی‌کند، گر چه به هر حال این تعاریف کم و بیش با یکدیگر اختلافاتی دارند. اساس یک تعریف حکمرانی خوب عبارت است از نظامی از ارزش‌ها، سیاست‌ها و نهادها که جامعه به وسیله آن، اقتصاد، سیاست و مسائل اجتماعی خود را از طریق سه بخش دولت، خصوصی، و مدنی مدیریت می‌کند. (قلی‌پور، ۱۳۸۴: ۱۱۲) در تعریفی دیگر، حکمرانی خوب، اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری بر اساس قانون، پاسخ‌گویی و اثربخشی است. (میدری، ۱۳۸۳: ۹۳-۱۱۸) تعریفی دیگر نیز حکمرانی خوب را اینگونه معرفی می‌کند: راهکارها و فرآیندها و نهادهایی که به واسطه آنها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال، حقوق قانونی خود را استیفا، تعادشان را برآورده و تفاوتشان را تعدیل می‌کنند. (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴: ۹۳) در متون مختلفی، شاخص‌های حکمرانی خوب، به صورت متفاوت ذکر شده‌اند. بانک جهانی شاخص‌های ذیل را برای سنجش حکمرانی خوب در دویست کشور استفاده کرده است: حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و فقدان آشوب، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون، کنترل فساد و پایداری (الوانی و علیزاده ثانی، ۱۳۸۶: ص ۵). یک مبنای اساسی برای ویژگی‌های حکمرانی خوب، شاخص‌های هشت‌گانه‌ای است که توسط برنامه توسعه سازمان ملل مطرح شده‌اند. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، اجماع‌سازی، عدالت و انصاف، کارایی و اثربخشی، و در نهایت پاسخگویی (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۶: ۱۰۹). تعاریف مختلف دیگری نیز برای شاخص‌های حکمرانی خوب، از سوی مراکز و شخصیت‌های مختلف مطرح شده است اما اتفاق نظر وجود دارد که عناصر کلیدی حکمرانی خوب شامل پنج مولفه پاسخگویی، شفافیت، مبارزه با فساد، حکومت مشارکتی و چارچوب قضایی حقوقی توانمندساز (یا همان حاکمیت قانون) است. (محمودی کیا، ۱۳۹۸: ۶۳)

۲-۲ حکمرانی شایسته

با تعاریفی که از مفاهیم پژوهش از جمله حکمرانی گذشت، حکمرانی شایسته به معنای شیوه اداره جامعه و حکومت کردن به نحو شایسته است. از آنجایی که گفته شد، حکمرانی شایسته، عبارت قراردادی ما برای حکمرانی مطلوب اسلامی است، بنابراین حکمرانی شایسته، به معنای شیوه اداره جامعه، چگونگی کاربرد قدرت و روش اعمال حاکمیت از منظر اسلام و تفکر اسلامی است. اسلام بعنوان یک دین الهی که قرار است برنامه‌ای برای شیوه زندگانی بشر ارائه کند، در مسئله مهمی مانند

حکومت نیز قطعا انسان ها را بدون راهنمایی و راهنما رها نگذاشته و وجود کتب متعدد در باب حکومت اسلامی از سوی متفکرین متعدد شیعه و سنی و همچنین ارائه مدل حکومتی چون حکومت پیامبر در مدینه و حکومت امیرالمومنین(ع) بر بلاد اسلامی و همچنین خلفای اهل سنت، نشانگر اهمیت حکومت در اسلام و بی تفاوت نبودن اسلام نسبت به مقوله حکومت است و از همه مهم تر داشتن برنامه عملی برای شیوه حکمرانی است. صرف نظر از اینکه، اندیشمندان مختلفی به بسط ویژگی های حکومت در اسلام و شیوه اعمال حکومت و حاکمیت در اندیشه اسلامی پرداخته اند، یکی دیگر از راههای بسط حکمرانی اسلامی، تطبیق مفاهیم و ترمینولوژی های نوپدید در اندیشه اسلامی و تایید و یا عدم تایید آن از سوی اسلام است.

۲-۳ شفافیت و جایگاه آن در حکمرانی شایسته

ریشه های حکمرانی مطلوب را اگر چند عنصر تعیین کننده بدانیم، بدون شک یکی از اساسی ترین آنها مقوله شفافیت خواهد بود؛ پدیده ای که در صورت تحقق آن، سلامت یک نظام سیاسی و ساختارهای آن تا حد زیادی تضمین شده و زمینه مبارزه با فساد و ریشه کنی آن در محیط جامعه را فراهم می آورد. شفافیت به نحوی حکمرانان را در اتاق شیشه ای قرار می دهد و مردم می توانند قضاوت درستی درباره عملکرد آنها داشته باشند و میزان کارآمدی آنها را مورد سنجش قرار دهند. (بهرامی، ۱۳۹۹: ۹۴-۹۵)

شفافیت، از جمله موضوعات اساسی در مباحث کلان حکومت های مردم سالار و اصلاح اداره عمومی است که در جهت تقویت رابطه حکومت با شهروندان، به مثابه یک حرکت اساسی در بهبود سیاستگذاری قلمداد می شود؛ چنان که امروزه به عنوان یکی از مولفه های اساسی حکمرانی خوب محسوب می گردد. مردم چنانچه در جریان تصمیم گیری ها قرار گیرند، متوجه درستی و نادرستی آنها خواهند شد و نتیجه این امر، امنیت خاطری است که ملت نسبت به حکومت پیدا می کنند و در جهت استمرار و تقویت آن گام برخواهند داشت. (طاهری و ارسطو، ۱۳۹۵: ۴)

همانطور که در بیان مسئله ذکر گردید، این پژوهش به جایگاه شفافیت در حکمرانی شایسته در اندیشه و حکمرانی امام علی(ع) می پردازد و حکمرانی شایسته، همان حکمرانی مطلوب اسلامی در نظر گرفته شده است. با توجه به اینکه در ابتدا در خصوص انتخاب دوران حکمرانی امام علی(ع)، بعنوان دوره منتخب حکمرانی شایسته بعنوان یکی از الگوهای بی نظیر حکمرانی مطلوب اسلامی اشاره شد، جایگاه شفافیت در حکمرانی شایسته، به جایگاه شفافیت در اندیشه و

حکمرانی علوی می پردازد. نظر به لزوم بیان روش و چگونگی احصاء شاخصه ها و جایگاه شفافیت در اندیشه و حکمرانی علوی، ابتدا به توضیح روش تحقیق خواهیم پرداخت و سپس به بررسی جایگاه شفافیت در اندیشه و حکمرانی امام علی (ع) می پردازیم.

۳- روش و مدل نظری پژوهش

روش تحقیق، به طور عمده به دو روش کیفی و کمی تقسیم می گردد. در روش کمی ما با آمار و ارقام و یا نظرسنجی مواجهیم، اما در روش کیفی با متن و اندیشه. انواع مختلفی از روش ها برای تحلیل کیفی وجود دارد. یکی از روش های کارآمد تحلیل کیفی، تحلیل مضمون^۱ است (براون^۲، ۲۰۰۶)؛ تحلیل مضمون به سه روش قالب مضامین، ماتریس مضامین و شبکه مضامین صورت می گیرد. در این تحقیق از روش شبکه مضامین استفاده می شود.

الگوریتم این پژوهش که به مقوله شفافیت در اندیشه علوی می پردازد بدین صورت در قالب روش شبکه مضامین ارائه می شود.

جدول شماره ۱. الگوریتم پژوهش در قالب روش شبکه مضامین مطابق با شکل مضمون آراید و

استیرلینگ (آرایدو استیرلینگ، ۲۰۰۱)

شفافیت در اندیشه علوی	اندیشه	
	مرحله اول	مرحله دوم
استخراج مضامین پایه در نهج البلاغه	استخراج مضامین پایه	دسته بندی و تخلص مضامین پایه
دسته بندی و تخلص مضامین پایه مستخرج از نهج البلاغه	کشف مضامین سازمان دهنده	کشف مضامین سازمان دهنده
کشف مضامین سازمان دهنده مضامین پایه مستخرج از نهج البلاغه	کشف مضامین فراگیر	کشف مضامین فراگیر
کشف مضامین فراگیر برای مضامین سازمان دهنده مستخرج از نهج البلاغه		

در واقع، پس از دست یافتن به مضامین پایه ای، شناسایی مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر با توجه به مضامین پایه ای انجام می شود؛ در این مرحله از تحلیل مضمون سعی می شود با

1. Theory Analysis

2. Braun

سازمان دهی مجدد مضامین اولیه یا همان مضامین پایه ای انتزاعی تری دست یابیم که ما را به مضمون های اصلی تری رهنمون سازد. (خان احمدی، ۱۳۹۷: ۱۹۱)

بعبارت دیگر ابتدا نهج البلاغه بعنوان مبنای سند مطالعه ما برای حکمرانی امیرالمومنین(ع)، بعنوان نمونه عالی حکمرانی شایسته مورد مطالعه دقیق قرار می گیرد و متن های دارای ارتباط با شفافیت از آن استخراج می گردد. سپس برای متن ها عنوان بندی اولیه یا مضمون پایه در نظر گرفته می شود. پس از عنوان بندی متن ها، این مضامین به دسته بندی های هم خانواده و دارای ارتباط (سازمان دهنده مضامین پایه) ذیل مضامین فراگیر ما تقسیم می گردد. در نهایت نیز مضمون فراگیر مابر اساس این دسته بندی ها و مضامین مستخرج از متن سازمان دهی می شوند.

۴- الگوی مطالعه جایگاه شفافیت در حکمرانی شایسته

این پژوهش اساسا به واکاوی اندیشه می پردازد. هر اندیشه ای برای هویدا شدن و اعلام شدن، به سخن و یا متن تبدیل می گردد. برای واکاوی اندیشه، آن متن یا گفتار، باید در متن پیاده و تجزیه و تحلیل گردد. همانطور که ذکر گردید، این پژوهش بر مبنای الگوی حکمرانی علوی، بعنوان الگوی حکمرانی شایسته یا همان الگوی حکمرانی مطلوب اسلامی می باشد و برای این منظور، اندیشه های امیرالمومنین(ع)، مورد مطالعه قرار گرفته است. سخنان حضرت امیر(ع)، در روایات مختلف و در کتب مختلفی گردآوری شده است که یکی از جامع ترین و موثق ترین آن ها نهج البلاغه است. در این تحقیق، کتاب نهج البلاغه، مبنای واکاوی ما قرار گرفت و بر اساس روش و مدل نظری پژوهش، بر اساس جدول ذیل، الگوی مطالعه جایگاه شفافیت در حکمرانی شایسته تدوین گردید.

جدول شماره ۲- الگوی مطالعه جایگاه شفافیت در حکمرانی شایسته

ردیف	مضمون فراگیر	ردیف	مضامین پایه یا عنوان بندی اولیه	متن و سند
۱	محتوای شفافیت	۱	آموزش بینش سیاسی	خطبه های ۶۱، ۳۳، ۵۱، ۱۳۱، ۲۲
		۲	روشنگری و بصیرت افزایی	خطبه های ۱۶۹، ۷۳، ۱۷۷، ۱۴۸
		۳	صراحت	خطبه های ۷۱، ۵۶، ۱۵۶، ۱۹، ۱۷۷، ۱۸، ۲۰
		۴	ارتباط بدون واسطه با مردم	خطبه ۸۹، ۱۲۵
		۵	گزارش دهی به مردم	خطبه ۴۳، ۵۴، ۶۸
		۶	آزادی بیان دادن به مردم	خطبه ۱۶۲ و نامه ۵۳

۱	پنهان‌گریزی	نامه ۶۹
۲	راست‌گزینی	خطبه ۱۰۸
۳	تبیین‌گری	خطبه ۳
۴	بیان‌عذر تقصیر	نامه ۵۳
۵	حضور در میدان	نامه ۵۳
۶	شفافیت اطلاعات	نامه ۵۰
۷	حاکمیت قانون	نامه ۵۰
۸	نظارت جدی	نامه های ۴۳، ۴۰
۹	پرهیز از نفاق	نامه ۲۶
۱۰	پاسخگویی	نامه ۵۳
۱۱	امانت‌داری	نامه ۵
۱۲	مشاورت و مشارکت	نامه های ۵۰، ۵۳
۱۳	آزادی بیان	خطبه ۱۶۲

۵- جایگاه شفافیت در حکمرانی شایسته با تاکید بر اندیشه آیت الله خامنه ای

حضرت آیت الله خامنه ای بعنوان دومین رهبر انقلاب اسلامی ایران با تاسی از سیره حکومتی امیرالمومنین (ع)، سعی کرده است، امان‌های حکومت دینی را با محتوای دینی آن مطابق شرایط روز تطبیق دهد و در هدایت جامعه بکار گیرد. بکارگیری شفافیت در این سیره، مطابق با شیوه امیرالمومنین (ع)، از جمله این تلاش‌ها برای حکمرانی دینی است. هر چند که مطابق با رسومات، شیوه‌ها و ادبیات حاکم بر جامعه، روش‌های جدیدی برای شفافیت ایجاد می‌گردد که میتوان به آن نیز پرداخت اما اجمالاً به همان مولفه‌های بررسی شده در سیره امام علی (ع) به دلیل وجه تطبیقی پژوهش خواهیم پرداخت.

۱-۵ محتوای شفافیت در اندیشه و حکمرانی آیت الله خامنه ای

برای اینکه بتوانیم محتوای شفافیت را با توجه به اینکه مفهومی جدید در قرن معاصر در حکمرانی است، در اندیشه و حکمرانی آیت الله خامنه ای، مطابق با الگوی حکمرانی شایسته در اندیشه امام علی (ع) احصاء کنیم، در شش مولفه آموزش بینش سیاسی، روشنگری و بصیرت‌افزایی، صراحت، ارتباط بدون واسطه با مردم، گزارش دهی به مردم و آزادی بیان دادن به مردم، به استخراج بیانات و سیره حکمرانی ایشان مرتبط با آن پرداختیم که در ذیل بدان اشاره می‌گردد.

۵-۱- آموزش بینش سیاسی

یکی از رویه های آیت الله خامنه ای در حکمرانی خودشان، به تاسی از روش امام علی(ع)، آموزش بینش سیاسی به مردم است. ایشان مردم را از مسائل مهم سیاسی آگاه و بینش صحیح نسبت به آنان را آموزش میدهند. برای نمونه به یکی از بیانات ایشان در تبیین دشمنان جمهوری اسلامی اشاره می گردد:

"همه‌ی مراکز قدرتهای شیطانی در همه‌ی عالم، آنهایی که با جمهوری اسلامی دشمنی میکنند و مخالفت میکنند، با انتخابات هم به طور ویژه مخالفت و معارضة میکنند. در همه‌ی انتخابات‌های ما در طول این ده‌ها سال همیشه این جور بوده که ابزارهای رسانه‌ای آنها، ابزارهای سیاسی آنها در خدمت تخریب ذهنی مردم نسبت به انتخابات و اگر بتوانند به نحوی دخالت در انتخابات بوده؛ برای اینکه نگذارند آن شکوه و شوکت انتخابات ایران خودش را نشان بدهد." (۱۴۰۰/۰۳/۲۶)

ایشان، ضمن تبیین بینش صحیح نسبت به مسائل سیاسی، مبانی سیاسی صحیح و اسلامی را به مردم می آموزند تا خودشان بتوانند قضایا را بر اساس این مبانی تحلیل کنند. برای نمونه به یکی از بیانات ایشان در خصوص اصل حضور مردم در جمهوری اسلامی اشاره می گردد:

"حضور مردم در نظام جمهوری اسلامی دارای یک اصل محکم و یک سند متقن فکری است؛ صرفاً یک مسئله‌ی سیاسی نیست؛ البته فواید سیاسی حضور مردم خیلی زیاد است لکن علاوه‌ی بر اینها و مهم‌تر از اینها اصل فلسفه‌ی حضور مردم در نظام جمهوری اسلامی است؛ یعنی در جمهوری اسلامی، «جمهوری» یک بخش و «اسلامی» یک بخش [است]، که اگر جمهور حضور نداشته باشند، جمهوری اسلامی تحقق پیدا نمیکند؛" (۱۴۰۰/۰۳/۲۶)

آیت الله خامنه ای بعنوان حاکم اسلامی، در راستای افزایش بینش سیاسی، هیچگاه از آموزش مبانی حکومت اسلامی غفلت نمی ورزند و به مناسبت های مختلف، به تبیین آن میپردازند. در یکی از این بیانات، ایشان در خصوص ضرورت حاکمیت دین مطابق آیات قرآن بیان می کنند:

"اینکه دین باید حاکمیت کند و در این حاکمیت باید مردم حضور داشته باشند، یعنی مردم‌سالاری دینی، این از متن اسلام برمی‌آید. حاکمیت دین را قرآن به صورت روشن بیان کرده؛ واقعاً اگر کسی این را انکار کند، حاکی از این است که در قرآن تدبّر درست نکرده. از طرفی قرآن اعلام میکند، آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی نساء است که «مِا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ»؛ پیغمبران را فرستادیم برای اینکه مردم از اینها اطاعت کنند؛ خب در چه چیزی اطاعت کنند؟

موضوع اطاعت پیغمبران چه چیزهایی است؟ صدها آیهی قرآن این موضوع را بیان میکند؛ مثلاً آیات جهاد؛ آیات مربوط به اقامه‌ی قسط، آیات مربوط به حدود و مجازاتها، آیات مربوط به معاملات و قراردادهای، آیات مربوط به قراردادهای بین‌المللی - وَانْ نَكْتُوا اَیْمًا نُنَهَمُ (۵) - تا آخر؛ اینها یعنی حکومت." (۱۴۰۰/۰۳/۱۴)

ایشان، نسبت به نحوه رفتار صحیح در عرصه سیاسی چه برای مردم و چه برای مسئولین، آموزش‌های لازم را می‌دهند و در مواقع ضرورت، در صورت بروز انحراف از رفتار سیاسی صحیح، تذکر لازم را نیز بیان می‌کنند. برای مثال به بیانات ایشان در خصوص آداب و رفتار مناسب برای مناظرات انتخاباتی اشاره می‌گردد:

"بایستی با تأدب، با رعایت جهات اخلاقی و جهات شرعی رفتار کرد؛ [نامزدها] حرفهایشان را بزنند، متها بدون اهانت، بدون تهمت، با اخلاق خوب برخورد بکنند؛ این روش کار است." (۱۴۰۰/۰۴/۰۷)

همچنین ایشان نسبت به آموزش و تبیین جریانات حاکم بر جهان به مردم ایران و امت اسلامی اهتمام دارند. برای نمونه ایشان نسبت به تبیین جریانات تشکیل دهنده دولت غاصب صهیونیستی پرداخته و بیان می‌کنند:

"یک نکته‌ی قابل توجه این است که اگر چه دولت غاصب در سال ۱۹۴۸ تأسیس شد ولی مقدمات دست‌اندازی به این نقطه‌ی حسّاس از منظره‌ی اسلامی، سالها پیش از آن آغاز شده بود. این سالها مقارن است با دخالت فعال غرب در کشورهای اسلامی برای حاکم کردن سکولاریسم، و ناسیونالیسم افراطی و کور، و به قدرت رساندن دولتهای مستبد، و شیفته یا دست‌نشانده‌ی غرب. مطالعه‌ی حوادث آن سالها در ایران و ترکیه و کشورهای عربی غرب آسیا تا شمال آفریقا، این حقیقت تلخ را آشکار میکند که ضعف و تفرقه در امت اسلامی، زمینه‌ساز فاجعه‌ی غصب فلسطین شد و این ضربه از سوی جهان استکبار بر امت اسلامی وارد آمد. این عبرت‌آموز است که در آن مقطع، هر دو اردوگاه سرمایه‌داری و کمونیسم با قارون‌های صهیونیست به هم‌افزایی رسیدند؛ انگلیس اصل توطئه را طراح و پیگیری کرد، سرمایه‌داران صهیونیست اجرای آن را با پول و سلاح بر عهده گرفتند، و شوروی اولین دولتی بود که تأسیس دولت نامشروع را به رسمیت شناخت و انبوه یهودیان را به آنجا اعزام کرد. رژیم غاصب، محصول آن وضعیت در جهان اسلام از سوی، و این توطئه و تهاجم و تجاوز اروپایی از سوی دیگر بود." (۱۴۰۰/۰۲/۱۷)

۲-۱-۵ روشنگری

از دیگر جلوه های بسط شفافیت در اندیشه و حکمرانی آیت الله خامنه ای، اهتمام ایشان به روشنگری پیرامون مسائل مختلف است. برای نمونه به یکی از بیانات ایشان در روشنگری پیرامون برنامه های مخالفین برای انتخابات اشاره می کنند:

"برنامه‌ی مخالفین هم -که ما تا حدودی اطلاع داریم- به جان هم انداختن طرف‌دارها است؛ طرف‌دار این نامزد با طرف‌دار آن نامزد، این علیه او بد بگویند، او علیه این بد بگویند. و آنها از فضای مجازی دارند به این وسیله استفاده میکنند؛ یعنی در فضای مجازی از زبان یک نفری در این ستاد، علیه یک کسی در آن ستاد، و از زبان او علیه این بدروغ یک حرفی منتشر میکنند و اینها را به جان هم می‌اندازند؛ این برنامه است، توجّه داشته باشید. انگیزه‌های دشمنان برای اخلال و ایجاد اختلال انگیزه‌های خیلی عمیقی است و دنبال این مسئله هستند." (۱۴۰۰/۰۳/۰۶)

یکی از جلوه های روشنگری های ایشان در حکمرانی، روشنگری نسبت به خواص در موقعیت ها و برهه های لازم است. برای نمونه، ایشان در واکنش به اقدامات برخی خواص در دلسرد کردن مردم از رفتن پای صندوق و شرکت در انتخابات، ضمن روشنگری نسبت به ایشان بیان کردند:

"به حرف این کسانی که ترویج میکنند -چه از داخل، چه از خارج- که «فایده‌ای ندارد، ما نمیرویم پای صندوق، نروید» اعتنا نکنید؛ اینها دلسوز مردم نیستند. اگر اسم مردم را هم می‌آورند، دروغ میگویند، دلسوز مردم نیستند. کسی که دلسوز مردم است، مردم را از رفتن پای صندوق انتخابات منع نمیکند." (۱۴۰۰/۰۳/۰۶)

یکی دیگر از جلوه های روشنگری در حکمرانی ایشان، روشنگری نسبت به دشمنان اصلی انقلاب است. به یکی از این نمونه ها در بیانات ایشان اشاره می گردد:

"مردم؛ یعنی همان دو عنصری که عرض کردم؛ دو کلیدواژه‌ی ایمان، و غیرت دینی. تردیدافکنی در ایمان و غیرت دینی مردم آن چیزی است که دشمن دنبال آن است؛ میدانند که اگر چنانچه این اتفاق افتاد، قدرت تهاجمی و حتی قدرت دفاعی جمهوری اسلامی هم تحت تأثیر قرار خواهد گرفت و از بین خواهد رفت؛ لذا دارند توطئه میکنند؛ البته توطئه‌ی آمریکا و مانند آن، فقط این نیست؛ این مهمترینش است؛ علیه جمهوری اسلامی در میدان سیاست، در میدان اقتصاد - می‌بینید دیگر این تحریمها را- در میدان مسائل امنیتی [توطئه میکنند]." (۱۳۹۸/۱۰/۱۹)

آیت الله خامنه ای نسبت به روشنگری در خصوص فتنه گران، در مواقعی که کشور دچار فتنه می شود، اقدام می کنند و این معنا در سال ۱۳۸۸ به خوبی عیان گردید. به یکی از بیانات ایشان در خصوص فتنه گران سال ۱۳۸۸ اشاره می گردد:

"خب، البته گفتیم مردم ایستادند، آخرین نمونه‌اش هم همین فتنه‌ی سال ۸۸ بود؛ مردم ایستادند. همان کسانی که به کسان دیگری غیر از منتخب رأی داده بودند، همانها هم در مقابل آنها ایستادند. لذا دیدید در ۹ دی، در ۲۲ بهمن، همه شرکت کردند؛ همه آمدند. این نشان‌دهنده‌ی این است که فتنه‌گران و فتنه‌انگیزان یک اقلیت معدودند؛ متها دروغ گفتند، خواستند مردم را دنبال خودشان بکشاند. اول کار موفق هم شدند؛ بعد که چهره‌شان آشکار شد، نقابشان در خلال حرفها و کارهای گوناگون افتاد، مردم از اینها رو برگرداندند. بنابراین، مردم ایستاده‌اند." (۱۳۸۹/۰۶/۲۵)

۳-۱-۵ صراحت

از دیگر مواردی که در بسط فرهنگ شفافیت بسیار موثر است، روحیه صراحت در ادبیات و رفتار حاکمان و عدم استفاده از رفتار دوگانه و ادبیات دوپهلوی در ارتباط خود با اقشار مختلف است. آیت الله خامنه ای از جمله سیاستمدارانی است که معتقد است، از رفتار دیپلماتیک و غیرشفاف باید پرهیز کرد و با صراحت رفتار کرد. ایشان در این زمینه یک جمله معروف نیز دارند که در دیدار با کارکنان نیروی هوایی ارتش بیان کردند:

"من دیپلمات نیستم، من انقلابی‌ام، حرف را صریح و صادقانه می‌گویم. دیپلمات یک کلمه‌ای را می‌گوید، معنای دیگری را اراده می‌کند. ما صریح و صادقانه حرف خودمان را می‌زنیم؛ ما قاطع و جازم حرف خودمان را می‌زنیم." (۱۳۹۱/۱۱/۱۹)

ایشان، همواره به اتخاذ مواضع صریح پیرامون مسائل مهم کشور، منطقه و جهان اقدام می کنند. در ذیل به یکی از مواضع معروف ایشان در خصوص بیداری اسلامی و حرکت های مردمی ضدآمریکایی اشاره می گردد:

"موضع ما در مقابل این حرکت‌های مردمی روشن است: هر جا حرکت اسلامی است، مردمی است، ضد آمریکائی است، ما با این حرکت همراهیم؛ اما اگر در جایی ببینیم با تحریک آمریکائیه‌ها، با تحریک صهیونیست‌ها، یک حرکتی به راه افتاده است، با آن حرکت همراهی نمی‌کنیم. ما با حرکت‌های ضد آمریکائی و ضد صهیونیستی همراهیم. آنجائی که خود آمریکا و خود صهیونیست‌ها وارد میدان میشوند تا یک رژیم را ساقط کنند، تا یک کشوری را اشغال کنند، آنجا ما نقطه‌ی

مقابل حرکت آمریکائیا قرار میگیریم. آمریکا نمیتواند به نفع ملت‌های این منطقه فکری بکند و کاری بکند؛ هر کاری میکنند و هر کاری تا امروز کردند، بر علیه ملت‌های این منطقه بوده است. این موضع ماست." (۱۳۹۰/۰۳/۱۴)

ایشان در مقاطع گوناگون، ضمن بیان وظایف اصلی و اساسی مردم، به صراحت به عواقب ترک آن وظیفه نیز اشاره می کردند. در نمونه ای که در ذیل به آن اشاره می شود، ایشان به اهمیت شرکت در انتخابات اشاره می کنند و از عواقب ترک این وظیفه از زبان امام خمینی اشاره می کنند:

"امام بیانهای مهمی دارند: انتخابات را فریضه‌ی دینی میدانستند؛ تصریح کردند امام به تعبیر «فریضه‌ی دینی» درباره‌ی انتخابات. در وصیت‌نامه‌ی امام یک عبارت بسیار هشداردهنده‌ای هست که میفرمایند: «عدم حضور در انتخابات، در بعضی مقاطع چه بسا گناهی باشد در رأس گناهان کبیره»؛ (۱۳) یعنی درباره‌ی انتخابات نظر امام این است. یا در یک بیان دیگر میفرمایند: «کوتاهی در مشارکت - یعنی مشارکت در انتخابات - دارای پیامدهای دنیوی، چه بسا تا نسلها بعد و مستلزم بازخواست الهی است»؛ این فرمایشات امام است که با همین بیانات و با همین محکم‌کاری‌ها جمهوری اسلامی را استوار کردند، پابرجا کردند. و بحمدالله بعد از رحلت امام هم ملت ایران این عطیه‌ی الهی را - یعنی این مردم‌سالاری دینی را که عطیه‌ی الهی بود و به دست امام بزرگوار به ملت ایران اهدا شد - حفظ کردند." (۱۴۰۰/۰۳/۱۴)

آیت الله خامنه‌ای، فتنه را خط قرمز نظام اسلامی می دانند و در مقاطعی که کسانی به اقدامات فتنه‌گون و تفرقه‌انگیز در جامعه دست بزنند، ایشان ورود می کنند و صراحتاً تذکرات لازم را می دهند. به یکی از این نمونه‌ها در تذکر به کسانی که در حوادث پس از انتخابات ۱۳۸۸، عکم فتنه و اختلاف را بلند کردند، اشاره می گردد:

"من از همه میخواهم به این روش خاتمه بدهند. این روش، روش درستی نیست. اگر خاتمه ندهند، آنوقت مسئولیت تبعات آن، هرج و مرج آن، به عهده‌ی آنهاست. این تصور هم غلط است که بعضی خیال کنند با حرکات خیابانی، یک اهرم فشاری علیه نظام درست میکنند و مسئولین نظام را مجبور میکنند، وادار میکنند تا به عنوان مصلحت، زیر بار تحمیلات آنها بروند. نه، این هم غلط است. اولاً تن دادن به مطالبات غیر قانونی، زیر فشار، خود این، شروع دیکتاتوری است. این اشتباه محاسبه است؛ این محاسبه‌ی غلطی است. عواقبی هم اگر پیدا کند، عواقبش مستقیماً متوجه فرماندهان پشت صحنه خواهد شد. اگر لازم باشد، مردم آنها را هم در نوبت خود و وقت خود خواهند شناخت." (۱۳۸۸/۰۳/۲۹)

ایشان همواره در برابر خواص و نخبگان نیز، ضمن حمایت و احترام، صراحت دارند. در جمله معروفی در سال ۱۳۸۸ در خصوص نحوه عملکرد خواص در فتنه ۸۸ و حوادث پس از انتخابات، صریحاً عملکرد آنان را مردود می‌شمارند و بیان می‌کنند:

"بعضی از خواص هم البته مردود شدند. این انتخابات بعضیها را مردود کرد. برخی از جوانان ما که با صداقت، با سلامت وارد میدان وظیفه میشوند، به رگم هوشیاریهایشان، در مواردی اشتباه کردند." (۱۳۸۸/۰۵/۱۲)

آیت الله خامنه‌ای همواره در برابر دشمنان، صراحت دارند و با صریح‌ترین ادبیات با آنان صحبت می‌کنند. برای نمونه ایشان در خصوص انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ آمریکا می‌گویند:

"انتخابات دشمنان ایران مثل آمریکا، از چشم همه‌ی دنیا انتخابات مفتضحی بود؛ یعنی واقعاً افتضاح کردند. حالا همان مفتضحین دارند به انتخابات ما ایراد میگیرند! یک عنصر آمریکایی راجع به انتخابات ایران اظهار نظر میکند؛ با آن فضاحتی که دارند، حالا بعد از چند ماه زبان درآورده‌اند و حرف میزنند؛ آنها دیگر با آن وضع و با آن افتضاحی که به وجود آوردند، اصلاً نباید راجع به انتخابات کلمه‌ای بر زبان بیاورند." (۱۴۰۰/۰۴/۰۷)

ایشان در برابر عالمان دینی نیز علی‌رغم حفظ احترام، تکریم و بزرگداشت این قشر مقدس که خودشان نیز متعلق به این قشر هستند، در مواردی که لازم می‌بینند، با صراحت انتقاد می‌کنند و نکات لازم را مطرح می‌کنند. در یکی از این بیانات در ضرورت برنامه ریزی مدیران و صاحب نظران حوزه علمیه قم برای افزایش سطح حوزه برای آینده بیست ساله آن می‌گویند:

"اگر امروز ارکان حوزه یعنی مدیران، صاحب‌نظران، اساتید، برجستگان همت بکنند، درست فکر کنند و برنامه‌ریزی کنند، حوزه بیست سال دیگر از لحاظ سطح و عمق و عرض و طول و توسعه‌ی نفوس، از حالا بمراتب بهتر خواهد بود. اگر حالا ما پیش‌بینی نکنیم، نه؛ هیچ معلوم نیست حوزه‌ی قمی در آینده با همین عرض و طول فعلی هم وجود داشته باشد. بزرگانی، محققینی، علمای خوبی، فقهای، فلسفه‌ای از حوزه گرفته میشوند؛ میروند - نقصها من اطرافها - جای اینها باید شخصیت‌هایی رشد کنند، بیالند؛ جای اینها را پر کنند و بیش از آنچه که آنها انجام دادند، انجام بدهند. اگر این کار شد، این آینده‌نگری انجام گرفت، فردا خوب خواهد بود. اگر این آینده‌نگری امروز در حوزه‌ی قم انجام نگیرد و به وضع موجود راضی باشیم؛ به همین که حالا حوزه را یک جوری اداره کنیم؛ به این اگر قناعت کنیم،

فردا یا حوزه‌ای نداریم یا حوزه‌ای رو به انحطاط خواهیم داشت." (۱۳۸۶/۰۹/۰۸)

ایشان در برابر کارگزاران و مسئولین نظام نیز صراحت دارند و در صورت لزوم، تذکرات مدیریتی، اخلاقی و راهبردی به آنان را در دستور کار قرار می دهند. به نمونه ای از بیانات صریح ایشان در خدمتگزاری به مردم، بعنوان فلسفه مسئولیت در نظام جمهوری اسلامی، خطاب به کارگزاران و مسئولین اشاره می گردد:

"در اسلام و نظام جمهوری اسلامی، فلسفه مسئولیت پیدا کردنِ مسؤولان در کشور این است که برای مردم کار کنند. مسؤولان برای مردمند و خدمتگزار و مدیون و امانتدار آنها هستند. مردم، محورند. کسی که در نظام جمهوری اسلامی مسئولیتی به دست می‌آورد، باید همه هم و غمش برای مردم باشد؛ هم برای دنیای مردم، هم برای مادیت مردم، هم برای معنویت مردم، هم برای ایجاد عدالت در میان مردم، هم برای احیای شأن انسانی مردم، هم برای آزادی مردم. اینها جزو وظایف اصلی حکومت است." (۱۳۸۰/۰۳/۱۴)

۱-۵-۴ ارتباط بدون واسطه با مردم

یکی از مواردی که در بسط فرهنگ شفافیت، بسیار حائز اهمیت است، ارتباط مستقیم و بدون واسطه با مردم است. آیت الله خامنه ای به ارتباط بی واسطه با مردم و اقشار گوناگون اعتقاد راسخ دارند و حجم انبوه دیدارهای مردمی رسمی و سفرهای استانی ایشان، گواهی بر این مطلب است. ایشان همواره به گفت و گوی با مردم و اقشار مختلف مردم می پردازند. غیر از دیدارهای مردمی، در دیدار با اقشار مختلف، یکی از رسومات این دیدارها این است که ابتدا نمایندگان مردم و اقشار مختلف به سخنرانی و ارائه نظرات، انتقادات و پیشنهادات در حوزه های عمومی و حوزه های تخصصی می پردازند و سپس ایشان سخنرانی می کنند که شرح این دیدارها در سایت ایشان موجود است. همچنین ایشان به این ویژگی در میان مسئولین مختلف سفارش می کنند که در ذیل به یک نمونه از توصیه های ایشان به مسئولین در خصوص گفتگو با مردم اشاره می گردد:

"نکته‌ی بعدی درباره‌ی همین حضور مردمی است؛ همین که حالا اشاره کردم. یکی از نقاط قوت کار جناب آقای رئیسی در قوه‌ی قضائیه همین رفتن بین مردم بود. این را ترک نکنید." (۱۴۰۰/۰۴/۰۷)

ایشان، نسبت به سوالات و شبهات مردم مطلع اند و در مواقع لزوم، به بیان پاسخ به آن سوالات و پاسخ های آنان می پردازند. برای نمونه در خصوص گزاره شایع و معروف "عدم شرکت مردم در انتخابات به خاطر وضعیت معیشتی"، اینچنین پاسخ می دهند:

"گفته میشود که برخی به خاطر فشارهای معیشتی‌ای که وجود دارد و همه میدانیم و همه آن را لمس میکنیم، مرددند که آیا در انتخابات شرکت بکنند یا نکنند؛ یا بعضی‌ها مثلاً میگویند «ما در دوره‌های مختلف به یک کسی با شوق رأی دادیم، بعد منجر شد به دلخوری، و در آخر دوره دلخور شدیم؛ پس بنابراین خوب است شرکت نکنیم در انتخابات»؛ بعضی از این حرفها زده میشود. به نظر میرسد که اینها استدلالهای درستی نیست. نایستی این چیزها ما را دلسرد کند از مشارکت در انتخابات. اگر نابسامانی‌ای وجود دارد، اگر ناکارآمدی‌ای وجود دارد، ما باید آن را با انتخاب درست و انتخاب خوب جبران کنیم، نه با عدم انتخاب. خب اگر چنانچه واقعاً یک ضعفی وجود دارد در مدیریتها، راه چاره‌اش چیست؟ راه چاره‌اش این است که ما اصلاً در مدیریتها دخالت نکنیم، یا راه چاره‌اش این است که دخالت کنیم و یک مدیریت درست و حسابی، مدیریت به معنای واقعی کلمه اسلامی و مردمی به وجود بیاوریم؟ راهش این است دیگر؛ یعنی اگر چنانچه دلخوری‌ای وجود دارد، این دلخوری را این جوری بایستی جبران بکنیم، نه با وارد نشدن در منطقه‌ی انتخابات." (۱۴۰۰/۰۳/۱۴)

۵-۱-۵ گزارش دهی به مردم

از دیگر رویه‌های ایشان در راستای بسط شفافیت، گزارش دهی به مردم است. این روحیه گزارش دهی در ایشان سبب شده که به مسئولین نیز در این زمینه تاکید و توصیه کنند. در ذیل به توصیه ایشان به مسئولین قوه قضاییه در ضرورت تبیین سیاستها برای گروه‌های فعال اشاره می‌گردد:

"ارتباط با این گروه‌های فعال هم یک بخشی از حضور مردمی و ارتباط مردمی است که باید توجه به آن داشته باشیم. فایده‌اش اولاً این است که هم میتوانید از آنها بشنوید حرفها را، ثانیاً برای آنها تبیین کنید؛ خیلی اوقات است یک سیاستهایی را دستگاه‌های مختلف دارند که بعضی‌ها از بیرون معترض میشوند؛ غرضی هم ندارند، [بلکه] بر اثر بی‌اطلاعی معترض میشوند؛ یعنی باطن این تصمیم را، یا استدلال بر این تصمیم را نمیدانند؛ چون نمیدانند، معترض میشوند. خیلی خب، برای آنها تبیین کنید؛ بعضی از چیزها هست که باید تبیین بشود و گفته بشود." (۱۴۰۰/۰۴/۰۷)

۶-۱-۵ آزادی بیان دادن به مردم

از جمله دیگر رویه‌های ایشان در حکمرانی، آزادی بیان دادن ایشان به مردم برای بیان نظرات و مشکلات است. این موضوع در دیدارهای ایشان با اقشار مختلف مردم مشهود است. در ذیل، به نظر ایشان در این خصوص اشاره می‌گردد:

"اعتقاد ما به آزادی یک مسئله‌ی تاکتیکی نیست؛ یک مسئله‌ی واقعی است. آزادی به همان معنایی که جمهوری اسلامی تعریف میکند، نه به معنایی که غربیها تعریف میکنند، که آن، به نظر ما انحراف است. آنجائی که باید آزادی باشد، نیست؛ آنجائی که باید محدودیت باشد، قیدها گسسته است و آزادی هست! آن را ما مطلقاً قبول نداریم؛ تو رودریاستی غرب هم گیر نمیکنیم. ما آزادی را با همان مفهوم اسلامی خودش قبول داریم، که البته تو آن آزادی بیان هست، آزادی رفتار هست، آزادی فکر هست - این حوادث چندان خلاف انتظار نیست." (۱۳۸۸/۰۶/۰۸)

۵-۲ ملزومات شفافیت ساز در اندیشه و حکمرانی آیت الله خامنه ای

در این بخش به ملزومات شفافیت ساز در اندیشه و حکمرانی آیت الله خامنه ای می پردازیم. یعنی رویه ها و اقداماتی که در حکمرانی ایشان وجود دارد که ملزومات تحقق شفافیت در حکمرانی را فراهم می کند.

۵-۲-۱ پنهان گریزی

از جمله رویه هایی که در سیره ایشان وجود دارد، تاکید ایشان به آمادگی برای پنهان گریزی و افشای عمل به مسئولین است. در یکی از نمونه های اخیر، ایشان به مسئولین سازنده واکسن کرونا تاکید می کنند که اسناد علمی واکسن را منتشر کنید. به بیانات ایشان در این زمینه اشاره می گردد:

"یک نکته‌ای به من گفته شد و آن، این است که شما این واکسن را که بحمدالله این جور قوی و خوب و سریع و به موقع فراهم کردید، هم اسناد علمی اش را، هم مقاله‌هایی که درباره‌اش باید نوشته بشود فراهم بکنید که دنیا ببیند آنها را؛ این چیز مهمی است؛ این را حتماً انجام بدهید." (۱۴۰۰/۰۴/۰۷)

۵-۲-۲ راست گزینی

از رویه های دیگر ایشان که زمینه تحقق شفافیت را فراهم می کند، تاکید ایشان بر صداقت و پرهیز از دروغ است. به یکی از موارد توصیه های ایشان به مسئولین مبنی بر صداقت با مردم اشاره می گردد:

"با مردم هم صادق باشید؛ با مردم با تقلب و خدعه و فریب و دورویی برخورد نکنید. «صِدْقُ النَّاسِ» یعنی صدق عمل با مردم؛ انسان در مواجهه‌ی با مردم با صداقت وارد بشود، با کلک و دروغ و فریب و مانند اینها با مردم برخورد نکند. اگر ما در مسائل گوناگون اجتماعی مان، سیاسی مان، انتخاباتمان، و مانند اینها، همین یک مورد را مراعات کنیم، ببینید چقدر دنیا آباد خواهد شد؛ «وَ صِدْقُ النَّاسِ»." (۱۳۹۷/۱۲/۱۲)

۵-۲-۳ تبیین‌گری

از دیگر رویه‌های شفافیت‌ساز ایشان در حکمرانی، تبیین‌گری و توضیح سیاست‌ها، تصمیمات و قوانین مهم برای مردم است که ضمن عمل ایشان به این مهم، به مسئولین نیز در این خصوص سفارش می‌کند. به یک نمونه از این موارد در توصیه به مسئولین قوه قضاییه در تبیین و اطلاع‌رسانی سند تحول قوه برای همه اشاره می‌گردد:

"و یک ملاحظه این است که این سند به اطلاع همه برسد. گزارشهایی به من رسید که بعضی از افراد مؤثر در مجموعه‌ی قوه‌ی قضائیه این سند را درست نمی‌شناسند؛ باید سند را به اطلاع همه رساند تا صاحب‌نظران قوه ببینند، نگاه کنند. اولاً همه وظیفه‌ی خودشان را بر طبق سند تحول احساس کنند و بفهمند؛ ثانیاً، اگر چنانچه نظری دارند، آن را به مراجع بالاتر منعکس کنند. بنابراین بی‌اطلاع نمانند." (۱۴۰۰/۰۴/۰۷)

و یا در جایی دیگر به اهمیت تبیین سیاست‌ها به همه اقشار اینچنین اشاره می‌کنند. خیلی اوقات است یک سیاستهایی را دستگاه‌های مختلف دارند که بعضی‌ها از بیرون معترض میشوند؛ غرضی هم ندارند، [بلکه] بر اثر بی‌اطلاعی معترض میشوند؛ یعنی باطن این تصمیم را، یا استدلال بر این تصمیم را نمیدانند؛ چون نمیدانند، معترض میشوند. خیلی خوب، برای آنها تبیین کنید؛ بعضی از چیزها هست که باید تبیین بشود و گفته بشود." (۱۴۰۰/۰۴/۰۷)

۵-۲-۴ بیان عذر تقصیر

از دیگر رویه‌های آیه‌الله خامنه‌ای در حکمرانی که زمینه تحقق شفافیت را فراهم می‌کند، تاکید به مسئولین بر لزوم بیان عذر تقصیر و ضرورت عذر داشتن نزد خلق خدا (مردم) است. در این زمینه به یکی از بیانات و توصیه‌های ایشان اشاره می‌گردد:

"می‌خواهم بگویم هر کاری می‌کنید، باید طوری باشد که برای آن استدلال و توجیه قانع‌کننده‌ای داشته باشید. اگر از شما پرسیدند چرا این سرمایه‌گذاری را کردید، چرا آن اقدام را کردید، چرا آن اقدام را نکردید، بگویید با این استدلال. البته ممکن است آن استدلال، غلط باشد و همه آن را نپسندند؛ اما شما استدلال داشته باشید. پاسخگو بودن، یعنی این." (۱۳۸۰/۰۶/۰۵)

۵-۲-۵ حضور در میدان

از جمله موارد دیگری که زمینه تحقق شفافیت را فراهم می‌کند، حضور میان مردم و رسیدگی

شخصی به مشکلات آنان توسط مسئولین است. ایشان در این زمینه تاکید همیشگی دارند و اقدامات مثبت در این زمینه را تقویت و تشویق می کنند. به یکی از موارد توصیه ایشان به مسئولین در این زمینه و همچنین تقدیر ایشان از مسئولینی که اقدام به چنین کاری می کنند، اشاره می گردد:

"نکته‌ی بعدی درباره‌ی همین حضور مردمی است؛ همین که حالا اشاره کردم. یکی از نقاط قوت کار جناب آقای رئیسی در قوه‌ی قضائیه همین رفتن بین مردم بود. این را ترک نکنید؛ مسئولان محترم قوه بعد از ایشان این را ترک نکنند. این کار بسیار خوب و مهمی است و همین طور که عرض کردم برکات زیادی دارد؛ هم رفتن داخل مردم، هم ارتباط داشتن با گروه‌های فعال جامعه؛ فعالان دانشگاهی، فعالان حوزه‌ای، فعالان اقتصادی، فعالان بخش مربوط به مسائل زنان که یک عده‌ای در این قضیه فعالند؛ یا مسئله‌ی اقوام؛ ارتباط با اینها خیلی مهم است." (۱۴۰۰/۰۴/۰۷)

۶-۲-۵ شفافیت اطلاعات

از دیگر رویه‌هایی که در حکمرانی آیت الله خامنه‌ای، به تاسی از حکمرانی امیرالمومنین (ع) زمینه ساز تحقق شفافیت است، اصل اعتقاد ایشان بر شفافیت اطلاعات و اعلام آن است. در این زمینه به گزارش خبری سایت دفتر اطلاع رسانی رهبر انقلاب به نشانی www.leader.ir در این زمینه اشاره می گردد:

"ایشان در شرح این فراز از نامه حضرت علی (علیه‌السلام) گفتند: «این نکته‌ی بسیار مهمی است؛ این شفافیتی که حالا سر زبانها است که «آقا شفاف، شفاف»، در کلام امیرالمومنین است. بعضی‌ها عادت کرده‌اند هر چیز خوبی که در جامعه‌ی اسلامی است را نسبت بدهند به غربی‌ها. واقعاً انسان تعجب میکند از کوتاه‌فکری بعضی‌ها! توجه به مردم، آراء مردم، اهتمام به مردم، میگوید «ما از غربی‌ها یاد گرفتیم اینها را»؛... وقتی مراجعه به منابع اسلامی نمیکنید، وقتی کلمات امیرالمومنین و رسول مکرّم اسلام را نمیخوانید، بلد نیستید، خب بله، از غربی‌ها باید یاد بگیرید. میگویند بعضی‌ها، می‌شنوید که «بله، این شفافیت را هم آنها به ما یاد دادند»؛ نخیر، شفافیت را امیرالمومنین یاد داده؛ میگوید حقّ شما بر من -یعنی حقّی که شما پیش من دارید- [این است که] هیچ رازی را از شما پنهان ندارم، هیچ حرفی را از شما پنهان نکنم، مگر در جنگ و مسائل جنگ و مسائلی که با دشمن طرف هستیم." (۱۳۹۷/۰۷/۲۳)

۷-۲-۵ حاکمیت قانون

از جمله دیگر رویه‌های ایشان در حکمرانی، که زمینه ساز تحقق شفافیت است و از

زیرساخت‌های اصلی و اساسی شفافیت محسوب می‌گردد، احترام به حاکمیت قانون و مبنا قرار دادن قانون بعنوان فصل الخطاب است. برای نمونه در این زمینه به یکی از بیانات صریح ایشان در این خصوص اشاره می‌گردد:

"ما واقعاً احتیاج داریم به اینکه قانون در تمام امور کشور، یک شاخص، یک محور، یک فصل الخطاب محسوب شود." (۱۳۸۸/۰۴/۰۳)

۵-۲-۸ نظارت جدی

یکی دیگر از رویه‌های شفافیت‌ساز در حکمرانی ایشان، نظارت جدی بر کارگزاران است. ایشان ساختارهایی برای بازرسی و نظارت مخفی از کارگزاران تحت امر خودشان ایجاد کرده‌اند و بر ایجاد این ساختار در نهادها و قوای دیگر به مسئولین توصیه می‌کنند. به نمونه‌ای از این توصیه‌ها به مسئولین اشاره می‌گردد:

"من گمان نمی‌کنم در دوره‌ی قبل بود -حالا درست یادم نیست زمان جناب آقای رئیسی بود یا قبل از ایشان- که یک عده‌ای را مشخص کرده بودند که اینها به طور ناشناس می‌رفتند به دادگاه‌ها سر میزدند، به دادگستری‌های شهرستان‌ها سر میزدند، چیزهایی را از نزدیک میدیدند؛ این خیلی کار خوبی است. این جور افراد را بسیج کنید بفرستید بروند ببینند که این قضیه چیست، این ادعایی که شده چقدر با واقعیت تطبیق میکند یا نمیکند. بالاخره دیدن با چشم خیلی مؤثر است؛" (۱۴۰۰/۰۴/۰۷)

در همین خصوص، ایشان نسبت به رسیدگی به حساب اموال مسئولان تاکید دارند و موافق آن هستند. در این زمینه به پاسخ ایشان به یکی از سوالات دانشجویان در دیدار با آنان مبنی بر چرایی عدم برخورد قاطع با اشرافی‌گری، اشاره می‌گردد:

"این سؤال راجع به اشرافیت، سؤال بسیار درستی است. اگر واقعا من احساس کنم که این سؤال و این مطالبه و این گرایش، در مجموعه جوانان دانشجویان هست، حقیقتاً خدا را شکر می‌کنم. شما بدانید که گرایش اشرافی‌گری، آن چیزی نیست که بشود با قانون و با دادگاه و با بازجویی و با امثال اینها علاجش کرد؛ خیلی سخت‌تر از این حرفهاست. این از جمله مقولاتی است که بایستی فضای عمومی کشور -احساسات مردم، خواست مردم و به تعبیر رساتر، فرهنگ عمومی مردم- آن را دفع کند تا این علاج شود. آن کسانی که به اشرافی‌گری گرایش دارند و دلشان برای زندگی اشرافی لک میزند -یعنی خوردن و پوشیدن و زندگی کردن و مشی کردن به سبک اشراف و دور از زندگی متوسط مردم- یکی از کارهایی که میکنند، این است که این دید و ذهنیت را در مردم

به وجود آورند که این چیز خوبی است و ارزش است؛ کمالین که قبل از انقلاب این گونه بود. قبل از انقلاب، مسئولان حکومت، هرچه بیشتر با تشریفات و جاه و جلال و تکبر و تفرعن و لباسهای فاخر ظاهر میشدند، یک عده از عوام مردم بیشتر خوششان میآمد! فرهنگ عمومی را این گونه شکل داده بودند. بعد از انقلاب بعکس شد. لذا کسانی هم که اهل کارهای اشرافی گری بودند، از ترس گرایش مردم، اجتناب میکردند؛ اما امروز بتدریج میخواهند کار را بعکس کنند. به نظر من، اشرافی گری برای یک کشور آفت است؛ اشرافیگری مسئولان، آفت مضاعف است؛ به خاطر این که اگر اشراف عالم از مال خودشان -حالا حلال و حرامش به عهده خودشان- خرج میکنند، از مال خودشان اشرافی گری میکنند؛ اما اگر مسئولان اشرافی گری کنند، از مال مردم خرج میکنند؛ مال خودشان که نیست. این اشرافی گری، با احساس عمومی مردم، با نوشتن، با گفتن و با ترویج این فکر، درست خواهد شد. این باید به یک فرهنگ تبدیل شود؛ کاری نیست که بشود به صورت دادگاه ویژه و محاکمه و امثال اینها درستش کرد." (۱۳۷۸/۰۹/۰۱)

۹-۲-۵ پرهیز از نفاق

از دیگر مواردی که در حکمرانی ایشان در راستای تحقق شفافیت وجود دارد، تاکید بر پرهیز از نفاق و دورویی است. به نمونه ای از بیانات ایشان در زمینه تاکید می گردد:

"با مردم با تقلب و خدعه و فریب و دورویی برخورد نکنید. «صِدْقُ النَّاسِ» یعنی صدق عمل با مردم؛ انسان در مواجهه‌ی با مردم با صداقت وارد بشود، با کلک و دروغ و فریب و مانند اینها با مردم برخورد نکند. اگر ما در مسائل گوناگون اجتماعی مان، سیاسی مان، انتخاباتی مان، و مانند اینها، همین یک مورد را مراعات کنیم، ببینید چقدر دنیا آباد خواهد شد؛" (۱۳۹۷/۱۲/۱۲)

۱۰-۲-۵ پاسخگویی

ایشان همواره بر پاسخگویی مسئولین تاکید داشتند و این خود زمینه تحقق شفافیت را فراهم می کند. در ذیل به یکی از بیانات ایشان در این زمینه اشاره می گردد:

"مسئولین، خودشان را در معرض نقد و انتقاد قرار بدهند و پاسخگو باشند و پاسخ بدهند و تبیین کنند." (۱۳۸۸/۰۳/۲۹)

۱۱-۲-۵ امانت داری

از دیگر موارد زمینه ساز تحقق شفافیت، سفارش به امانت داری است. ایشان همواره به امانت داری مسئولین سفارش می کنند. به یک نمونه از بیانات ایشان در این خصوص اشاره می گردد:

"چند توصیه میکنم به رئیس جمهور محترم و برادران و خواهرانی که در بخشهای مختلف با ایشان همکاری خواهند داشت که این توصیه‌ها را در نظر داشته باشند. این مسئولیت راه، این توانایی راه، امانت بدانید؛ همچنان که امیرالمؤمنین فرمود: این در گردن تو یک امانتی است؛ و انما هی فی عنقک امانه؛ (۵) این مسئولیت، امانت الهی است در اختیار من و شما؛ امانت‌داری باید کرد؛ حفظ امانت باید کرد. این آیهی شریفه‌ی «ان الله یامرکم ان تؤدوا الامان ات الی اهلها»، (۶) فقط [درباره‌ی] این امانتهای مادی محسوس نیست؛ این امانت مهم معنوی - که این مسئولیت است - مصداق برتر آنها است." (۱۳۹۶/۰۵/۱۲)

۵-۲-۱۲ مشاورت و مشارکت

ایشان همواره به ضرورت مشورت در امور توصیه می‌کنند و این مهم نقش اساسی در تحقق شفافیت دارد. به یکی از توصیه‌های ایشان در این زمینه به مسئولین قوه قضاییه اشاره می‌گردد:

"و یک ملاحظه این است که این سند به اطلاع همه برسد. گزارشهایی به من رسید که بعضی از افراد مؤثر در مجموعه‌ی قوه قضائیه این سند را درست نمی‌شناسند؛ باید سند را به اطلاع همه رساند تا صاحب‌نظران قوه ببینند، نگاه کنند. اولاً همه وظیفه‌ی خودشان را بر طبق سند تحول احساس کنند و بفهمند؛ ثانیاً، اگر چنانچه نظری دارند، آن را به مراجع بالاتر منعکس کنند. بنابراین بی‌اطلاع نمانند." (۱۴۰۰/۰۴/۰۷)

همچنین اعتقاد به مشارکت مردم، از دیگر رویه‌های بارز ایشان در حکمرانی است. به یکی از نمونه‌های بیانات ایشان در ضرورت استفاده از مشارکت مردم در اقتصاد اشاره می‌گردد:

قوی‌ترین دولتها هم قادر نیست بدون مشارکت مردم موتور اقتصاد جامعه را به راه بیندازد؛ هیچ دولتی بدون مشارکت مردم نمیتواند اقتصاد کشور را سامان بدهد. بعضی از ساز و کارهای فکری، سیاسی، اقتصادی، مثل نوعی از سوسیالیسم‌ها - البته نه همه‌ی انواع سوسیالیسم - این فکرها را کردند که بتوانند دولتها را متصدی کار اقتصاد کنند [اما] شکست خوردند. امکان ندارد و بدون مشارکت مردم هیچ دولتی نخواهد توانست اقتصاد کشور را سامان بدهد و موتور اقتصاد را [راه بیندازد]. بنابراین یکی از مسائل مهم ما باید این باشد که استعدادهای مردم، ابتکارهای مردم، ظرفیتهای گوناگون مردم را وارد میدان اقتصاد کشور بکنیم. (۱۳۹۹/۰۲/۱۷)

۵-۲-۱۳ گزارش دهی به مردم

از دیگر رویه‌های ایشان در حکمرانی، گزارش دهی به مردم است. ایشان در مواقع مختلفی

به گزارش و ترسیم وضع کشور برای مردم می پردازند و مردم را از وقایع آگاه می کنند. در ذیل به یک نمونه از گزارش ها و ترسیم وضعیت کشور توسط ایشان برای مردم اشاره می گردد:

"گزارش من از وضع کشور این است: ما بحمدالله امروز میتوانیم با جرأت، با افتخار، با روسفیدی و با سربلندی بگوییم که نظام اسلامی با توجه به فهرست امکانات و مشکلاتش، بیش از آن مقداری که متوقع است، یا لاقبل به همان مقداری که متوقع است، پیش رفته است؛ این، آن بخش اول قضیه بود که من لازم دانستم در این جلسه با این عظمت و اهمیت عرض بکنم؛ وجهش هم همین است که نظام با شما پیوند دارد و شماها نمیتوانید از اوضاع نظام بی اطلاع باشید. این، کلیات و خطوط اصلیش بود؛ جزئیات هم به همین اندازه قابل دسترسی است و شما بایستی اطلاع پیدا کنید." (۱۳۷۰/۱۱/۳۰)

۵-۲-۱۴ آزادی بیان

از جمله دیگر مواردی که در حکمرانی ایشان، زمینه ساز تحقق شفافیت محسوب می شود، آزادی بیان است. در زمینه نگاه موافق ایشان به آزادی بیان که در عمل نیز در دیدارهای مردمی تحقق پیدا کرده است، به یکی از بیانات ایشان در این زمینه اشاره می گردد:

"ما به آزادی بیان و آزادی فعالیت‌های اجتماعی معتقدیم. اصلاً این مفاهیم و این حقایق را انقلاب و پیشروان انقلاب به این کشور آوردند. قبلاً این چیزها در این کشور نبود. از آزادی بیان و آزادی فعالیت‌های اجتماعی، نه خبری بود و نه حتی اسمی بود. اینها را انقلاب برای این کشور آورد. امام اینها را به این کشور هدیه کرد و خون شهدا این ارزشها را به این کشور بخشید. کسانی که پاسدار خون شهدا هستند و کسانی که پیرو امامند، علمداران این مفاهیمند. در این که شکّی نیست! اما این آزادی، محدود است و آزادی مطلق نیست. حدّش کجاست؟ حدّش عبارت است از حدودی که اسلام تعیین کرده است. اگر بنا شود که کسانی مردم را به بیایمانی و به شهوات سوق دهند، در این کار، آزاد نیستند. این آزادی، آزادی خیانت است. اگر قرار شد کسانی بنشینند و توطئه کنند و این توطئه را به شکلی در نوشته‌ای منعکس کنند، این آزادی توطئه است و مردود است." (۱۳۷۷/۰۶/۲۴)

نتیجه گیری

پس از مطالعه بیانات و اندیشه های آیت الله خامنه ای چه پیش از انقلاب و چه پس از انقلاب و پیش از زمامداری و حکمرانی ایشان و چه پس از دوران شروع رهبری ایشان، شفافیت در حکمرانی

در اندیشه ایشان، امری پذیرفته شده یافته شد. ایشان معتقدند که شفافیت نه توسط غربی‌ها که توسط امیرالمومنین(ع) به صراحت مورد اشاره و تاکید قرار گرفته است و منشا این مفهوم جدید غربی را امیرالمومنین(ع) می‌دانند. ایشان نیز به تاسی از امیرالمومنین(ع)، در تمامی شاخصه‌های الگوی مطالعاتی شفافیت در حکمرانی شایسته، نظرات مطابق داشتند که به آن‌ها اشاره گردید. عصر حکمرانی ایشان نیز، به دلیل گسترش مفهوم شفافیت، پیشرفت‌های بسیاری نسبت به دوران حکمرانی امیرالمومنین(ع) داشت که بیانات و اندیشه‌های ایشان نسبت به پیشرفت‌های مفهوم شفافیت و همسویی ایشان با بسیاری از این مفاهیم، می‌توانست در تعداد و تنوع شاخصه‌های جایگاه شفافیت در اندیشه ایشان، تحول ایجاد کند که نظر به تطبیقی بودن پژوهش، صرفاً به همان الگوی مطالعاتی در دو بخش "محتوای شفافیت در اندیشه و حکمرانی آیت‌الله خامنه‌ای" و "ملزومات شفافیت‌زا در اندیشه و حکمرانی آیت‌الله خامنه‌ای" اکتفا گردید. بنابراین پژوهشگران می‌توانند با مطالعه اندیشه و حکمرانی آیت‌الله خامنه‌ای فارغ از توجه به وجه تطبیقی آن در حکمرانی علوی، ظرفیت‌های اندیشه ایشان را در حوزه شفافیت استخراج کنند.

کتابنامه

نهج البلاغه

حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸). اندیشه اسلامی (خلاصه طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن).

تلخیص و تنظیم مسلم شوبکلانی و محسن محمودیان، قم: زمزم هدایت، چاپ اول

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران: موسسه فرهنگی ایمان

جهادی، چاپ پنجم

ابطحی، سید مصطفی؛ آرایش، حسن و سالاری سردری، فرضعلی (۱۳۹۷). «بررسی و تبیین حکمرانی

شایسته در رویکرد حکمرانی نظام جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد سیاسی، شماره ۵.

آل کجباغ، حسین و فرج دنیوی، حسن (۱۳۹۷). «حکمرانی مطلوب از منظر قرآن و نهج البلاغه با

تاکید بر پاسخگویی»، فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۱۰.

بهرامی، محمدباقر، اکبرزاده، فریدون، شهابی، روح الله، جلال پور، شیوا (۱۳۹۹). «نقش راهبردی

شفافیت آرای نمایندگان در کارآمدی مجلس شورای اسلامی از نگاه حکمرانی مطلوب»،

نشریه راهبرد، شماره ۹۵.

بیگی نیا، عبدالرضا، صفری، سعید، مرشدی زاد، علی، پولادگر، عبدالحمید (۱۳۹۱). «شناسایی و

اولویت بندی شاخص های حکمرانی خوب»، چشم انداز مدیریت دولتی، شماره ۱۲.

پولادگر، عبدالحمید (۱۳۸۸). شناسایی اولویت بندی شاخص های حکمرانی خوب با استفاده از

تکنیک تحلیلی سلسله مراتبی (AHP)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد.

حبیب نژاد، سید احمد و عامری، زهرا (۱۳۹۵). «شاخص های شفافیت در حکومت اسلامی (با

تاکید بر حکومت علوی)»، فصلنامه حقوق اسلامی، شماره ۴۹

خان احمدی، اسماعیل (۱۳۹۷). «تحلیل مضمون چشم انداز انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی امام

خمینی (ره)»، مجله سیاست دفاعی، شماره ۱۰۵

خسروی، جواد (۱۳۹۶). بینش و نگرش مطلوب در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای، پایان نامه

کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی

درخشه، جلال و موسوی نیا، سیدمهدی (۱۳۹۷). «مولفه های حکمرانی شایسته در سیره حکومتی

پیامبر اسلام (ص)»، فصلنامه پژوهش های علم و دین، شماره ۱۷

دقیقی اصلی، علیرضا؛ گرابی نژاد، غلامرضا و آقابگیان، سلین (۱۳۹۲). «اثر حکمرانی خوب بر سطح فساد اقتصادی در کشورهای با سطح توسعه یافتگی متوسط»، مجله فرآیند مدیریت توسعه، دوره ۲۶، شماره ۴ (پیاپی ۸۶)

رحیم پور ازغدی، حسن (۱۳۸۵). «منشور حکومت دینی در نهج البلاغه»، فصلنامه اندیشه، شماره ۵ و ۶ سردارنیا، خلیل اله و شاکری، حمید (۱۳۹۳). «تبیین حکمرانی خوب در نهج البلاغه با رویکرد روشی زمینه‌گرا»، فصلنامه مطالعات حقوقی، دوره ششم، شماره ۴

شاه آبادی، ابوالفضل و جامه بزرگی، آمنه (۱۳۹۲). «نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه»، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، شماره ۲

صحرائی، علیرضا و محمودی نیا، امین (۱۳۹۷). «الگوی حکمرانی خوب؛ چارچوبی برای تحلیل اقتصاد سیاسی دولت هاشمی رفسنجانی»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، شماره ۲۸

طاهری، محسن و ارسطو، محمدجواد (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی مبانی اصل شفافیت از دیدگاه اسلام و نظریه حکمرانی خوب»، نشریه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۹

عجمی، علی (۱۳۹۰). بررسی اثر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی (مطالعه بین کشوری)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده اقتصاد، پایان نامه کارشناسی ارشد.

علیزاده ثانی، محسن و الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۶). «تحلیلی بر کیفیت حکمرانی خوب در ایران»، فصلنامه مطالعات مدیریت، بهبود و تحول، شماره ۵۳

عیوضی، محمدرحیم و مرزبان، نازنین (۱۳۹۵). «بررسی مولفه های حکمرانی خوب از منظر امام خمینی (ره)»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۹

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸)

گریفتس، مارتین (۱۳۸۸). «حسن اداره گری»، در: مارتین گریفتس، دانشنامه روابط بین الملل و سیاست جهان، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.

مبارک، اصغر، آذر پیوند، زیبا (۱۳۸۸). «نگاهی به شاخص های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تاثیر آن بر رشد اقتصادی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۳۶

محمودی کیا، محمد (۱۳۹۸). «حکمرانی شایسته در اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی»، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۱۹

مرشدزاده، علی (۱۳۹۶). حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی، فصلنامه

آینده پژوهی ایران، شماره ۳

مستقیم، مهدیه سادات (۱۳۹۵). «تحلیل معنای حکمرانی شایسته با تاکید بر آموزه های قرآنی»،

فصلنامه فقه حکومتی، شماره ۱

مفتح، محمدهادی، قاسمی، غلامعلی، کردنژاد، نسرین (۱۳۹۴). «امکان سنجی اجرای نظریه

حکمرانی خوب در جوامع اسلامی با تاکید بر جمهوری اسلامی»، فصلنامه پژوهش تطبیقی

حقوق اسلام و غرب، شماره ۴

نادری، محمدمهدی (۱۳۹۰). «حکمرانی خوب، معرفی و نقد اجمالی»، فصلنامه اسلام و پژوهش های

مدیریتی، شماره ۱

ناظمی اردکانی، محمد (۱۳۸۸). «حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی»، مجله علوم انسانی، شماره ۷۶

الوانی، سیدمهدی و علی زاده ثانی، محسن (۱۳۸۶). «تحلیلی بر کیفیت حکمرانی خوب در ایران»،

فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۵۸.

هداوند، مهدی (۱۳۸۴). «حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر»، فصلنامه حقوق اساسی، شماره ۴.

Mobius, M (2001), "good governance is a global challenge", corporate board, Vol.22, No.131.

UNDP (1997) Governance for Sustainable Human Development, at.publications/governance/goodgov.pdf

UNDP (1997), Governance & Sustainable Development, New York: retrieved from.

Weiss, T.G (2000), "Gavernance, Good Governance and Global Governance", Conceptnal And Actual challenges, Third World Quarterly, Vol.21, Issue. 5.

www.leader.ir

www.khamenei.ir